

نگاهی به فیلم‌های کوتاه شصت و یکمین جشنواره فیلم کن

مینا کشاورز

Mina.keshavarz@Gmail.com

جشنواره فیلم کن و حضور در آن اعتبار منحصر به فردی به فیلم‌های داستانی و سازندگانشان می‌دهد و مسلماً جشنواره‌ای اینچنین که فیلم‌سازان بزرگ دنیا هم برای شرکت در آن تمام تلاششان را می‌کنند، برای فیلم‌سازان کوتاه اهمیت بیشتری دارد و حضور فیلم کوتاهی از یک فیلم‌ساز در جشنواره فیلم کن، مسلماً راه او را برای ساختن فیلم‌های بعدی‌اش هموارتر می‌کند. امسال هم ۹ فیلم کوتاه در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه شصت و یکمین جشنواره فیلم کن برای دریافت نخل طلا با هم رقابت کردند و در نهایت فیلم کوتاه آرنا موفق به دریافت نخل طلا شد و فیلم کوتاه پنجاه مرد شش دلاری جایزه ویژه هیئت داوران را گرفت. متأسفانه اطلاعات دو فیلم پنجاه مرد شش دلاری و مردی در گوردینی را به دست نیاوردم.

آرنا

نویسنده و کارگردان: جوائو سالوویزا، فیلم‌بردار: واسکو ویانا، صدابردار: آینس کلمنت، تدوین: جوائو سالوویزا، تهیه‌کننده: ماریا جوائو مایر، فرانسوا دارتمار، ۳۵ میلی‌متری، رنگی، ۱۵ دقیقه، محصول پرتغال

● خلاصه داستان:

ماتورو در حصر خانگی است. او با تاتو کردن بدنش وقتش را می‌گذراند. سه تا از بچه‌های محل او را از پنجره دید می‌زنند و مسخره می‌کنند. و بیرون از پنجره خورشید در حال غروب کردن است. جوائو سالوویزا در ۱۹۸۴ در لیسبون پرتغال متولد شد. در مدرسه فیلم و تئاتر لیسبون سینما با

گرایش تدوین خواند و برای تکمیل تحصیلاتش در رشته مطالعات سینما به دانشگاه سینما بوئنوس آیرس رفت.

اولین فیلم کوتاهش دو نفر در جشنواره‌های بین‌المللی بسیاری نمایش داده شد و جوایزی هم گرفت. جوائو به عنوان تدوینگر در سینما و تلویزیون فعالیت می‌کند. آرنا دومین فیلم کوتاه اوست.

● یادداشت کارگردان:

چیزی که من را خیلی بیشتر از سختی‌هایی که به دلیل اسیر بودن در یک مکان متحمل می‌شویم جذب کرد، تنش بود که در لحظاتی که هیچ چیز تغییر نمی‌کند به وجود می‌آید. خطی که در آرنا دنبال می‌شود، محدود شدن یک نفر از نظر زمانی و مکانی است. با قرار دادن ماتورو در یک خانه با موقعیت مردی روبه‌رو بودم که هیچ جا نمی‌توانست برود. این ایده را از فیلمنامه تا تدوین دنبال کردم.

سکوت

نویسنده و کارگردان: لیلیا پاکال نینا، فیلم‌بردار: گینتس برزینس، صدابردار: آنریژ کرنبرگ، تدوین: کاسپار کالاس، تهیه‌کننده: لیلیا پاکال نینا، ۳۵ میلی‌متری، رنگی، ۱۴ دقیقه، محصول لیتوانی

● خلاصه داستان:

یک موزه باید ساکت باشد و مسلماً کسی هم مسئولیت برقراری این سکوت را دارد. اما به هر حال این سکوت برای عده‌ای هم عجیب و غیر قابل باور است. لیلیا پاکال نینا که متولد ۱۹۶۲ در لیتوانی است، یکی از مطرح‌ترین فیلم‌سازان لیتوانی در دنیاست که فیلم‌های مستند و داستانی‌اش در جشنواره‌های بزرگی مثل کن، ونیز، برلین و لوکارنو نمایش داده شده است.

او در مدرسه فیلم مسکو، کارگردانی فیلم مستند خوانده و مستندهایش ربطی به سبک‌های کلیشه‌ای فیلم مستند ندارد و بیشتر مشاهدات فیلم‌ساز در خصوص مسائل محیط زیستی است. فیلم کوتاه

سکوت پنجمین فیلم از سری فیلم‌هایی است که درباره عناصر طبیعی ساخته است. آب، آتش، سنگ و هوا چهار فیلم کوتاه داستانی هستند که پیش از سکوت آنها را ساخته است.

● یادداشت کارگردان:

می‌خواستم فیلمی بسازم برای احساس مخاطبان نه ذهنشان. برای همین سکوت را انتخاب کردم، چون خیلی با معناتر از کلمات است. کلمات برای فکر کردن هستند و سکوت برای احساس کردن.

Worstward Ho

نویسنده و کارگردان: الکس برناندمول، فیلم‌بردار: آلبرت براسو، تدوینگر: فرانک گوئیزر،

تهیه‌کننده: آلبرت براسو و تکسل سابارته، رنگی، ۱۲ دقیقه، محصول اسپانیا

● خلاصه داستان:

دو مرد که لباس فوتبال تنشان است در دل طبیعت سرگردان شده‌اند و همین طور که گیج و سرگردان هستند، زنی را در جاده می‌بینند و از او می‌خواهند که با آنها همراه شود.

● توضیحی درباره عنوان:

Worstward Ho یک ادای احترام به آخرین اثر ساموئل بکت است. ما می‌خواستیم این اثر ناشناخته و مرموز را در یک متن جدید دوباره خوانی کنیم. درست مانند کار بکت که زندگی در خارج از صحنه است و یک نیروی پنهان شخصیت‌ها را به سمت فضای ابزورد می‌برد. این فیلم تحت تأثیر تئاتر ابزورد، سینمای صامت و سینمای مستقل معاصر ساخته شده است.

● یادداشت‌هایی درباره فیلم:

نسل من هم‌زمان با گذار اسپانیا برای رسیدن به دموکراسی رشد کرد و بزرگ شد. در دهه ۹۰ به این نسل، نسل X می‌گفتند. آدم‌های نامتناجسی که باعث به تأخیر انداختن هر چیزی می‌شدند (برای انقلاب دهه ۷۰ یا جنبش پانک‌ها در دهه ۸۰)، بدون داشتن ایدئولوژی یا دلیلی برای مبارزه کردن. همه اینها قبلاً توسط نیاکانشان به انجام رسیده بود و خیلی زود فهمیدند آینده آن چیزی نیست که فکرش را می‌کردند.

● یادداشت کارگردان:

در یکی از سفرهای بی‌هدفم که به جنگل رفته بودم، شروع کردم داستان‌های مختلف را تصور کردن. آن قصه‌ها در یک طبیعت خالص اتفاق می‌افتند، ولی با صداهای عجیب و بی‌ربطی به فضا مثل صدای قطار، اره برقی، موتور برق و مزرعه خوک‌ها. یک شب در هتلی در تولوسا با دیدن یک سری نقاشی از همان فضایی که در ذهنم بود از خواب پریدم. در آن خواب هیچ دیالوگی وجود نداشت و من بعداً آن دیالوگ‌ها را اضافه کردم.

همه چیز را برای تهیه‌کننده‌ام و آلفونسو و تونی (بازیگرانم) تعریف کردم. به جای این که من را مسخره کنند، کلی تشویق کردند و گفتند با کمال میل در این فیلم همکاری می‌کنند. با آلبرت، فیلم‌بردارم، دنبال لوکیشن گشتیم و در نهایت در دو روز آخر هفته با همکاری ۱۲ نفر از دوستانم که تیم فیلم‌برداری و تولید را شامل می‌شدند فیلم را ساختیم.

دلنگی

نویسنده و کارگردان: یواخیم فردریک، فیلم‌بردار: رمکو شور، تدوینگر: مانوئل رامبلی، تهیه‌کننده: Trueworks، ۳۵ میلی‌متری،

رنگی، ۱۲ دقیقه، محصول هلند

● خلاصه داستان:

مادری دختر بچه هفت ساله اش را به مدرسه می برد. امروز روزی است که دخترش با هم کلاسی هایش به اردو می روند و به نظر می رسد که مادرش زیاد راضی نیست و احساس دل تنگی به او دست داده است.

یواخیم فردریک متولد ۱۹۷۹ در هلند است و در سال ۲۰۰۴ از مدرسه هنر فارغ التحصیل شد. او در طول تحصیلش فیلم های تجربی و مستند می ساخت. بعد از تمام کردن درسش در مدرسه هنر، در یک دوره فیلمنامه نویسی در مدرسه فیلمنامه آمستردام شرکت کرد و تعدادی فیلم کوتاه ساخت. در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ یواخیم در مدرسه فیلم سازی آندره وایدا در لهستان در یک مستر کلاس شرکت کرد و در همان دوره موفق به نوشتن یک فیلمنامه ۹۰ دقیقه ای شد که آن را به عنوان اولین فیلم بلندش خواهد ساخت، ولی در حال حاضر دنبال پیدا کردن پول برای ساختش است. علاوه بر فیلم کوتاه **دل تنگی** که در بخش مسابقه فیلم کوتاه امسال حضور دارد، فردریک با فیلم **Trans-SIBERIAN Voices** که یک مستند ۱۰ دقیقه ای است، در بخش هفته منتقدان امسال جشنواره کن هم حضور دارد.

● یادداشت کارگردان:

انگیزه من برای نوشتن این داستان این بود که زندگی معمولی یک خانواده کوچک در شمال آمستردام را به تصویر بکشیم. و اولین چیزی که برای چنین داستان هایی به ذهن می رسد، این است که دو نفر را نشان دهیم که دنبال اتوبوسی که راه افتاده می دوند. ولی در این فیلم ما کم کم این دنبال اتوبوس دیدن را می بینیم. سفر آنها تنها بهانه من برای به تصویر کشیدنشان بود.

لارس و پیترو

نویسنده و کارگردان: دانیل بورگمن، **فیلم بردار:** نیلز بوش هولزر، **تدوینگر:** دوریت اندرسن، **صدا بردار:** هوکان گاریستاد، **تهیه کننده:** کاجا ادومیت، ۳۵ میلی متری، رنگی، ۱۵ دقیقه، محصول دانمارک و نیوزلند

● خلاصه داستان:

لارس، پسر بچه ۹ ساله معصومی است که تنها آرزویش این است که پدرش خوشحال باشد و خانواده اش در کنار هم باشند. مادرش آنها را ترک کرده و زندگی شان خالی شده است. اما درست در روز تولد لارس، پدرش او را رها می کند و دنبال خوش گذرانی خودش می رود. و حالا همه چیز بدتر از همیشه شده است. لارس تنهاست و سعی می کند همه چیزهایی را که دیده درک کند.



سولیوان در رویال کالج لندن، هنرهای تجسمی خواننده است و تحصیلاتش را در رشته کارگردانی فیلم داستانی در مدرسه ملی فیلم و تلویزیون لندن ادامه داد. او چندین فیلم کوتاه نوشته و کارگردانی کرده است و در حال حاضر در حال نوشتن یک تریلر روان شناسانه سه گانه است.

Ciao Mama

نویسندگان: ماتیجا کلوکویک و گوران ادورکیک، **کارگردان:** گوران ادورکیک، **فیلم بردار:** بویونا بورناک، **تهیه کننده:** ایرنا مارکویک و بوریس ماتیک، HDCAM، رنگی، ۹ دقیقه، محصول کرواسی

● خلاصه داستان:

مادر مجردی، دخترش را رها می کند و با دوستانش به سفر می رود و دختر تمام تلاشش را می کند تا مادرش را تحت تأثیر قرار دهد. او برای به فکر واداشتن مادرش به رابطه شان دست به هر کاری می زند، مثل خودکشی و برگشتن به سمت پدرش. گوران ادورکیک در ۱۹۸۰ در زاگرب متولد شده و فیلم **Ciao Mama** را در مجموعه فیلم های عامه پسند **داستان های زاگرب** ساخته است. در حال حاضر او مشغول بازی در فیلم سینمایی **هیچ کس نمی تونه تورو ببینه ولی تو می تونی** است.

● یادداشت کارگردان:

Ciao Mama برای اجرای صحنه ای نوشته شده است، ولی بازی ۱۰ دقیقه ای بین مادر و دختر در نمایشنامه به صورت فیلمنامه نوشته شد و توسط پروژه **داستان های زاگرب** پذیرفته شد. بعد از پروسه تدوین ما دو فیلم کوتاه متفاوت داشتیم؛ یکی عامه پسند بود و دیگری مستقل. **ک**

دانیل بورگمن متولد ۱۹۸۱ در نیوزلند است و در رشته مطالعات فیلم و رسانه تحصیلاتش را در دانشگاه اوتاگا به پایان رسانده. **لارس و پیترو** در دانمارک فیلم برداری شد و دومین فیلم کوتاه بورگمن است. او در حال حاضر دو فیلم کوتاه در مرحله بعد از تولید دارد که در اوت ۲۰۰۹ آماده می شوند.

● یادداشت کارگردان:

لارس و پیترو درباره فاصله ای است که بین بزرگ ترها و بچه ها وجود دارد و چقدر صحبت کردن درباره مسائلی که خیلی شخصی است برای دو طرف مشکل است. به عنوان یک کارگردان، واقعاً دوست دارم بفهمم رفتارهای مختلف چه احساسی به آدم ها می دهد. فکر نمی کنم به طور مطلق بشود گفت حق با چه کسی است یا این آدم خوب است و آن یکی بد. همه آدم ها با زندگی دست به گریبان هستند تا بتوانند آن را به بهترین شکل به دست بیاورند. زندگی سخت است، ولی در عین حال زیباست و فیلم، مدیوم فوق العاده ای برای به تصویر کشیدن این کنتراست است.

بعد از فردا

نویسنده و کارگردان: اما سولیوان، **تهیه کننده:** آنالیز دیویس، ۳۵ میلی متری، رنگی، ۱۵ دقیقه، محصول انگلستان

(از مشخصات دیگر عوامل فیلم اطلاعی در دست نبود)

● خلاصه داستان:

جیمز بعد از مدت ها به دهکده ای که همسرش متعلق به آنجا بوده می رود و در مسافرخانه با شبحی روبه رو می شود که به او اجازه ترک آنجا را نمی دهد؛ یک تعلیق روان شناسانه که پایان غیرمنتظره ای دارد.